

*mens rea* of Abetting in International Crimes

Arash Gharibi \*  
Abolfath Khaleghi \*\*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.252903

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.3.3

**Abstract**

The role of *mens rea* in the realization of intentional crimes is undeniable and it is necessary for the attribution of the crime to the offender, regardless of the realm of national or international law. The important documents in this regard are Article 30 of the Statute of the International Criminal Court and the practical procedure of the Court. However, the important question that is constantly being asked is how the *mens rea* of abetting a crime in international crimes is organized? First, it seems that there is no necessity for perpetrator's *mens rea* and the abettor's *mens rea* to be the same, and the abettor's mere knowledge of committing the crime is sufficient for the occurrence of the crime. Secondly, there is no need for the existence of the mentioned mental element to be obvious, but it is possible that due to the circumstances, the abettor's intent would be discovered and the mental element be revealed. Finally, in order to form the *mens rea* of abetting in a crime, negligence and extreme tolerance must also be included in the category of intent in the act of abetting.

**Keywords**

*mens rea*, Court, Intent, International Crimes, Abetting.

---

\* Ph. D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, arashghariby@gmail.com

\*\* Corresponding Author, Associate Professor, Faculty of Law, Qom University, ab-khaleghi@qom.ac.ir



## رکن معنوی معاونت در جنایات بین‌المللی

آرش غریبی \*

ابوالفتح خالقی \*\*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.252903

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.68.3.3

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

### چکیده

در تحقق جرایم عمدی، نقش رکن معنوی انکارناپذیر و برای انتساب جرم به فرد بزهکار، صرف‌نظر از قلمرو حقوق ملی یا بین‌المللی کاملاً ضروری است. مستند مهم در این خصوص، ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و رویه عملی این دیوان است. اما سؤال مهمی که پیوسته مطرح می‌شود این است که رکن معنوی جرم معاونت در جنایات بین‌المللی چگونه سازمان می‌یابد؟ به نظر می‌رسد اولاً ضرورتی برای همسان‌بودن رکن معنوی مباشر جنایت و معاون وی وجود ندارد و صرف وجود علم اجمالی معاون از وقوع جرم کفایت می‌کند. دوم آنکه نیازی نیست که وجود رکن معنوی یادشده واضح باشد، بلکه ممکن است به کمک مجموع اوضاع و احوال، سوءنیت معاون، کشف و رکن معنوی محرز شود. نهایتاً برای اینکه رکن معنوی معاونت در جنایت شکل بگیرد باید سهل‌انگاری و مسامحه شدید را نیز در زمره شمول قصد در معاونت قرار داد.

### واژگان کلیدی

رکن معنوی، دیوان، جنایات بین‌المللی، معاونت

## مقدمه

آگاهی و اندیشه مجرم در ارتکاب جرم، همان رکن معنوی جرم است؛ بدین معنا که هر فردی که قصد ارتکاب جرمی را دارد، بدو قصد و اراده آگاه خود را برای ارتکاب جرم در ذهن می‌پروراند و با اندیشه و نقشه‌های قبلی و از پیش تعیین‌شده، زمینه را برای بروز و احیاء دیگر عناصر مهیا می‌سازد که از آن به رکن معنوی جرم تعبیر می‌شود. دو جزء اصلی رکن معنوی هر جنایت عمدی، علم و قصد مجرمانه است. ترکیب قصد مجرمانه با علم و آگاهی مرتکب رفتار مجرمانه، سوءنیت را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل در تعریف سوءنیت گفته می‌شود، اراده آگاه مرتکب به رفتار خلاف قانون. اراده یا عزم، حالت روانی است که بعد از عبور از مراحل ذهنی تصور، ارزیابی و تصدیق رخ می‌دهد. رفتارهای ارادی انسان، اعم از مشروع و نامشروع دارای این مراحل روانی و ذهنی است. در حالت‌های مجرمانه، قانونگذار به مرحله نهایی که همان عزم و خواست فرد است توجه کرده و از آن به‌عنوان قصد تعبیر می‌کند. به‌طور طبیعی، قصد بدون علم، معنی و مفهوم ندارد. لازمه قصد، وجود علم و آگاهی است. آگاهی و ادراک نیز بر تعقل و شعور مترتب است.<sup>۱</sup>

اگرچه مکاتب کیفری در مورد مبنای عنصر روانی دیدگاه‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند، بر لزوم وجود عنصر روانی اتفاق نظر دارند. برخی مجازات را بر مبنای آزادی و اختیار انسان استوار نموده‌اند. مکتب تحقیقی اگرچه انسان را مجبور دانسته، جرم را نشان‌دهنده حالت خطرناک فرد می‌داند و آن را به‌عنوان رکن روانی جرم، ضروری انگاشته است. از نظر مکتب کلاسیک آزادی، قانونی‌بودن جرم و مجازات، دو اصل اساسی آن مکتب، و پایه عنصر روانی، آزادی اراده است.<sup>۲</sup>

پیوسته نقش رکن معنوی در جرم انکارناپذیر است و یکی از عناصری است که احراز آن از سوی قضات دادگاه برای انتساب جرم به مجرم کاملاً ضروری است؛ لذا در مطالعه جرم معاونت در جنایات بین‌المللی، لزوم بررسی رکن معنوی بر اساس اسناد بین‌المللی و رویه دادگاه‌های بین‌المللی اهمیت فراوان دارد. سند بین‌المللی مهم در این خصوص، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که در ماده ۳۰ اساسنامه به آن اشاره شده است. اما نکته مهم، ربط مواد، خصوصاً مواد ۲۸ و ۳۰ و ارتباط این دو ماده با مباحث معاونت است که ذیلاً ارزیابی و کنکاش می‌شود.

هدف بررسی این موضوع آن است که آیا رکن معنوی در تمام جرائم برای ظهور جرم، شرط اصلی است؟ در جرم جزایی همواره سوءنیت یا قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی از ناحیه مرتکب

۱. خالقی، ابوالفتح؛ حقوق بین‌الملل کیفری عمومی، مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶.

۲. علوی، سیدحسن؛ «رابطه تقصیر و عنصر روانی جرم»، دوفصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال دهم، شماره سی و سوم، ۱۳۹۵، ص ۴۸.

برای اثبات مسئولیت کیفری الزامی است. آنچه مسلم است، اثبات مسئولیت کیفری در جرم حادث‌شده الزامی است اما اینکه وجود سوءنیت در کلیه جرائم الزامی باشد منطقی نیست چرا که بسیاری از جرائم با سبق اراده و قصد مجرمانه شروع نمی‌شود و در بعضی موارد از شمول جرائم عمد خارج است. تحقق فعل مجرمانه برای ایجاد مسئولیت کیفری مباشر آن کافی نیست؛ هرچند برای آن بایسته (لازم) است، بسنده (کافی) نیست، چون مباشر باید از اراده آزاد برخوردار باشد و عمل قابل مجازات را «درک کرده و خواسته باشد». به عبارت دیگر، مباشر باید بتواند اعمال خود را درک کند. این مسئله قابلیت انتساب روانی یا انتساب به شخص است یعنی ارتباط جرم به شخصی که ممکن است مسئول اعمالش باشد.<sup>۳</sup>

در حقوق مدرن برای آنکه یک عمل مخالف قانون، قابل کیفر باشد، پسندیده نخواهد بود که شخص مرتکب عملی شود که قانونگذار آن را نامشروع و غیرقانونی تلقی کرده است، بلکه باید بتوان ارتکاب آن را به انسانی نسبت داد که در سلامت روحی و جسمی، به‌طور عمدی و با نیت قبلی یا غفلت و تقصیر به آن دست زده است. به سخن دیگر، در رویداد جرم از جمله عناصر ضروری در ساختار آن، وجود «عامل روانی» است که آن هم تنها نزد انسان‌هاست زیرا سایر موجودات و جانداران، عنصر ادراک روانی ندارند.

در خصوص اصل مسئولیت ذهنی یا پنداری گفته شده است: از جمله ویژگی‌های بزرگ حقوق کیفری کنونی چه در عرصه حقوق ملی یا در ساحت حقوق بین‌الملل این است که نظریه «پنداری» و ذهنی<sup>۴</sup> جرم جانشین نظریه مسئولیت عینی<sup>۵</sup> شده است. در نظر حقوق‌دانان طرفدار مسئولیت کیفری عینی، آنچه مهم است و باید با قانون آن را کیفر داد، تنها توجه به آثار ارتکاب جرم در محیط خارج است. در نتیجه جایی برای عنصر «روانی و احساسی» در ساختار جرم باقی نمی‌ماند. اگر شخصی بدون اراده، یا در شرایطی غیرارادی یا متأثر از فشار و اجبار یک نیروی خارجی برخلاف میل خود مرتکب جرمی شد، به‌طور کامل بدون دفاع بوده و نباید برای عملی که قصد و نیتی در ارتکاب آن نداشته، مسئول شناخته شود و بهای سنگینی بپردازد. به این دلیل «عنصر روانی و احساسی» در حقوق کیفری جدید، اهمیت زیادی دارد و عنصر عینی جرم در موارد زیادی نادیده انگاشته شده و عنصر پنداری یا ذهنی از عناصر ساختاری و ضروری جرم مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در رابطه میان جرم و مجازات، مقنن در مقام وضع قانون یا دادرسی در مقام قضا، تنها به آثار یک جرم در محیط خارج توجه نداشته، بلکه وظیفه دارد قصد و نیت عامل و شرایط روانی و روحی او را در موقع ارتکاب به‌خوبی تأثیر داده و تشخیص دهد و با

۳. کانن، پاتریک؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه: مجید ادیب، میزان، ۱۳۹۹، ص ۷۱.

4. Subjective  
5. Objective

توجه به آن محدوده‌ها مجازات او را تعیین کند.<sup>۶</sup>

### ۱. مراتب و درجات رکن معنوی در جرم

عنصر «روانی و اخلاقی» در ساختار بنیادین هر عمل مجرمانه واجد آثار نخستین و مهمی است یعنی در رابطه برخاسته از یک عمل مخالف قانون و کیفر آن، قصد و نیت مرتکب و درجات آن نقش برجسته‌ای داشته و بر تمام سازوکار کیفری تأثیر می‌گذارد. به این دلیل نیز شناسایی و تشخیص کیفیات عنصر معنوی جرم برای قاضی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ در غیر این صورت، عدالت به درستی اجرا نخواهد شد.

با توجه به اینکه اکثر منابع حقوق بین‌الملل، اخذ شده از عرف تا قراردادهای بین‌المللی است، مراتب و درجات رکن معنوی جنایات، همچنین نوع درجه‌بندی آن، بیشتر از حقوق قراردادی، به حقوق عرفی شبیه است. از این رو در ارتکاب جرم از جمله معاونت، قصد و نیت عامل آن، می‌توان مراتب زیر را تشخیص داد:

ارتکاب جرم با قصد و نیت مستقیم؛

ارتکاب جرم با قصد و نیت غیرمستقیم؛

ارتکاب جرم در نتیجه غفلت و بی‌احتیاطی.

در قصد و نیت مستقیم، فرض بر این است که عامل به نتایج نامطلوب عمل مجرمانه خود و به نتایج آن در محیط خارج به‌طور کامل آگاهی داشته و خواست اصلی او نیز رسیدن به همین نتایج است. به عبارت دیگر، در ارتکاب جرم، وی با قصد، نیت و انگیزه پلید و ناپاکی عمل کرده است. برای مثال، در ایراد اتهام و تهمت به دیگری، نیت مستقیم و ناپاک عامل، لطمه به حیثیت شخص دیگری و نظایر آن است.

در قصد و نیت غیرمستقیم، عامل جرم ضمن اینکه از نتایج و آثار عمل خود آگاهی دارد، منظور او حصول و رسیدن به تمام این آثار نامطلوب نبوده و اگر می‌دانست که عمل او منتهی به این نتایج نامطلوب می‌شود، چه بسا مرتکب آن نمی‌شد، مانند شخصی که ضربه‌ای به قصد بیهوش کردن به سر شخص دیگر وارد می‌کند، بدون آنکه قصد کشتن او را داشته باشد، ولی شخص مضروب در نتیجه اصابت ضربه، جان خود را از دست می‌دهد.

در وضعیت سوم یعنی ارتکاب جرم در نتیجه غفلت و بی‌احتیاطی نیز عامل از نتایج احتمالی غفلت خود آگاه است و گاهی نیز از این نتایج احتمالی آگاهی ندارد و رویداد عمل نامشروع فقط نتیجه ناآگاهی و غفلت او بوده است. بدیهی است قاضی هنگام رسیدگی و برای اجرای عدالت،

۶. فیوضی، رضا؛ حقوق بین‌الملل کیفری، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

این درجات و شرایط را در نظر می‌گیرد.<sup>۷</sup>

آلبین/سر با این اندیشه که رکن معنوی جرم را می‌توان به‌واسطه وجود یا عدم عنصر ارادی و عنصر آگاهی یا شناختی تقسیم‌بندی کرد، چهار گونه یا درجه رکن معنوی جرم را به این ترتیب برمی‌شمرد:

نخست قصد مستقیم است که در درجه اول، قوی‌ترین نوع عنصر روانی است که ویژگی آن آگاهی کامل مباشر از تمام عناصر مادی جرم و داشتن اراده عامدانه برای نیل به نتایج ممنوع شده است. در این درجه، عنصر ارادی قطعاً سبق تصمیم است که نمونه‌اش در مورد نسل‌زدایی، متهم، برنامه کشتن تعداد زیادی از یک گروه قومی را تا حد ممکن دارد.

دوم، بی‌مبالاتی که از قصد مستقیم در درجه دوم ضعیف‌تر است مانند ارتکاب جنایت جنگی. مثلاً مباشر قصد تخریب ساختمانی برای رسیدن به هدف نظامی را دارد و اگرچه تمایلی ندارد، مطمئناً می‌داند که به‌ناچار غیرنظامیانی کشته خواهند شد. در این حالت، عنصر ارادی ضعیف‌تر از مورد قبلی شده اما عنصر آگاهی وزن بیشتری پیدا می‌کند؛ یعنی مباشر تمایلی به کشتن غیرنظامیان ندارد ولی از خطر آن آگاه و حاضر است در صورت وقوع آن را تأیید کند.

سوم، طیفی حد واسط بی‌مبالاتی و غفلت آگاهانه است. این درجه بسیار نزدیک به بی‌مبالاتی است. در این مصداق، عنصر آگاهی نظیر مورد قبل وجود دارد ولی عنصر ارادی مخدوش است نظیر آنکه در ارتکاب جنایت جنگی، مباشر از کشتن غیرنظامیان آگاه است و در عین حال حاضر نیست غیرنظامی‌ها را هدف قرار دهد و امیدوار است که به غیرنظامیان آسیبی نرساند. در هر حال، اقدام وی در یورش به ساختمان و انهدام آن صرفاً با این فرض انجام می‌شود که در ساختمان هدف حمله، غیرنظامی‌ها حضور نخواهند داشت. در این حالت، عنصر آگاهی همچنان وجود دارد اما عنصر ارادی (کشتن غیرنظامی‌ها) وجود ندارد.

چهارم، غفلت ناآگاهانه است که در آن عنصر آگاهی عملاً موجود نیست و تنها حالت فرضی دارد. در این فرض مباشر می‌بایست یا می‌توانست از اوضاع و احوال بداند که اقدام وی منجر به نتیجه‌ای می‌شود که حاصل آن رفتار یک جرم تلقی می‌شود؛<sup>۸</sup> لذا در رتبه‌بندی و تقسیم درجات جرم با توجه به رکن معنوی باید مسامحه و سهل‌انگاری فاحش را در نظر گرفت؛ مخصوصاً در جنایات بین‌المللی که متهمان از این مورد برای فرار از حاکمیت قانون استفاده می‌کنند.

برخلاف آنچه در حقوق ملی معمول است، در حقوق بین‌الملل کیفری، با توجه به منابع عرفی در آن و وظیفه‌ای که این حقوق و منافع عالی جامعه بین‌المللی به عهده دارد، تفکیک مجرمیت بر پایه قصد و نیت مستقیم و غیرمستقیم یا غفلت و سهل‌انگاری نه‌تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه

۷. پیشین، ص ۶۰.

۸. نجفی، رضا؛ سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ناشر روزنامه رسمی کشور، شماره چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰.

ممکن است نقش مخرب و نامطلوبی نیز در استقرار نظم و عدالت بین‌المللی ایفا کند. بنابراین حقوق بین‌المللی جدید مقید به این اصل است که به منظور حفظ منافع عالی و حیاتی جامعه جهانی و احترام و رعایت شئون انسانی، هرگونه عمل نامشروع و مخالف قواعد حقوقی که این منافع عالی را تهدید و به آن لطمه وارد کند، باید بدون تفکیک و تمایز در نیت، قصد و انگیزه عامل جرم و کیفیت و درجه آن، جرم‌انگاری و مجازات شود. در غیر این صورت، جامعه بین‌المللی دستخوش ناامنی و تنش دائمی خواهد بود زیرا به طوری که گفته شد، با توجه به این اصل که حقوق بین‌الملل، حقوقی است عرفی و حتی منابع قراردادی آن نیز در حقیقت چیزی جز تدوین همین عرف‌ها نیستند، قواعد حقوقی بین‌المللی محدوده و مرزهای چندان روشن و دقیق ندارند، بدیهی است کنترل نقض و لطمه به این حقوق که پیوسته و مدام در حال تغییر و تحول است، دشوار خواهد بود. اما در حقوق کیفری ملی، قانونگذار، کیفر اعمال ناقض قانون و نامشروع را با در نظر گرفتن شرایط احتمالات گوناگون تعیین می‌کند.

## ۲. رکن معنوی جنایات در اساسنامه رم

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یا همان اساسنامه رم، تنها سند بین‌المللی است که رکن معنوی جرم در آن تعریف شده است. البته آنچه از ماده ۳۰ اساسنامه استنباط می‌شود این است که طبق آن، برخلاف آنچه در نظام‌های حقوقی داخلی وجود دارد، مسئولیت کیفری تنها بر اساس قصد و علم و نه سهل‌انگاری،<sup>۹</sup> نادیده گرفتن یک خطر آشکار و پیش‌بینی شده از سوی مرتکب و مسامحه،<sup>۱۰</sup> بی‌توجهی کامل نسبت به معیارهای بدیهی مورد رعایت اشخاص متعارف جامعه بنیان نهاده شده است، در حالی که این هر دو قسم رکن معنوی در سیستم‌های ملی یا در برخی دیوان‌های کیفری بین‌المللی دیگر می‌تواند موجب تحمیل مسئولیت کیفری به شخص مرتکب باشد.

برای مثال، محاکم داخلی آلمان که پس از جنگ جهانی دوم به محاکمه نظامیان آلمانی به دلیل ارتکاب جرایم علیه بشریت بر اساس قانون دهم شورای کنترل متفقین<sup>۱۱</sup> می‌پرداختند، تعدادی آلمانی را به اتهام معرفی هم‌میهنانشان به نازی‌ها به دلیل ایراد سخنان یا انجام اعمال ضد نازی محکوم کرده و مسئولیت کیفری مرتکبان را محدود به مواردی نمودند که آنان نتایج این کار خود را پیش‌بینی می‌کردند، بلکه آن را شامل مواردی هم دانستند که مرتکبان از سیستم خشن حاکم بر حزب نازی و احتمال به‌خطرافتادن قربانی باخبر بودند، که در حقوق انگلستان از

9. Recklessness

10. Negligence

11. CCL 10

مصادیق سهل‌انگاری یا بی‌تفاوتی نامیده می‌شود. مسامحه نیز که معمولاً تنها در حالت فاحش آن باعث ایجاد مسئولیت کیفری می‌شود، در مواردی مبنای مسئولیت کیفری مرتکبان جرایم بین‌المللی قرار گرفته است. برای مثال، در پرونده استینگر و کرسیس<sup>۱۳</sup> در ۱۹۲۱، دادگاه لایپزیک، متهم کرسیس را که در نبردی بین آلمان و فرانسه در ۲۱ اوت ۱۹۱۴ به تصور این که فرمانده استینگر دستور کشتن مجروحان فرانسوی را به قوای آلمانی داده است این فرمان را به سربازان همراهش منعکس کرده بود، به جرم «سبب مرگ دیگری شدن به دلیل مسامحه»، محکوم و برای وی دو سال حبس تعیین کرد.<sup>۱۴</sup> علی‌رغم این سوابق، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بند ۱ ماده ۳۰<sup>۱۴</sup> اشعار می‌دارد، «جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچ‌کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جنایات که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر اینکه عنصر مادی جرم، همراه با قصد و علم باشد». سپس «قصد» و «علم» مذکور در بند ۱، در بندهای ۲ و ۳ توضیح داده شدند. مطابق بند ۲ این ماده، وجود قصد مفروض است زمانی که شخص «الف» نسبت به اصل عمل، قصد ارتکاب داشته باشد؛ «ب» نسبت به نتیجه عمل، قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا اینکه آگاه باشد که این نتیجه در جریان عادی حوادث رخ خواهد داد. به موجب بند ۳ این ماده، وجود «علم» مفروض است، موقعی که شخص آگاه باشد که شرایط ارتکاب جرم وجود دارد یا نتیجه در مسیر طبیعی حوادث اتفاق خواهد افتاد. «علم» و «آگاهی» مطابق این تعریف، تفسیر خواهند شد.<sup>۱۵</sup>

در شرح این ماده تفاسیر و دکترین‌های متفاوتی مطرح می‌شود؛ نخست اینکه ماده ۳۰ دو ابهام دارد. اولاً به بی‌مبالاتی و غفلت فاحش تصریحاً اشاره نمی‌کند، گرچه شاید بتوان پذیرفت که بی‌مبالاتی در بند ۲ مستتر است، آنجا که مقرر می‌دارد: نسبت به اصل عمل، قصد ارتکاب داشته باشد و نسبت به نتیجه عمل، قصد حصول آن را داشته باشد یا اینکه آگاه باشد که این نتیجه در جریان عادی حوادث رخ خواهد داد. ثانیاً این ماده، قصد و علم را هم‌زمان شرط می‌داند، در حالی

## 12. Crusius and Stinger

۱۳. کسسه، آنتونیو؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیراجمند و زهرا موسوی، جنگل، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵.

14. Article 30 of ICC Statute: "Mental element", 1. Unless otherwise provided, a person shall be criminally responsible and liable for punishment for a crime within the jurisdiction of the Court only if the material elements are committed with intent and knowledge; 2. For the purposes of this article, a person has intent where: (a) In relation to conduct, that person means to engage in the conduct; (b) In relation to a consequence, that person means to cause that consequence or is aware that it will occur in the ordinary course of events; 3. For the purposes of this article, "knowledge" means awareness that a circumstance exists or a consequence will occur in the ordinary course of events. "Know" and "knowingly" shall be construed accordingly.

۱۵. همان، ۲۱۶.



که ممکن است مواردی پیش آید که فقط قصد کافی باشد یا فقط علم کفایت کند.<sup>۱۶</sup> مثلاً در معاونت و همکاری در ارتکاب جرم، ممکن است شخص در ارتکاب جرم نقش داشته باشد ولی در قصد مجرمانه مباشر اصلی سهیم نباشد، بلکه صرفاً وی را در ارتکاب جرم یاری دهد. عنصر مادی معاونت می‌تواند مساعدت عملی، تشویق یا پشتیبانی معنوی مباشر اصلی باشد. اما عنصر اصلی عبارت است از علم به اینکه عمل وی مباشر را در ارتکاب جرم یاری می‌دهد. در قضیه فوروندزیا یک افسر کروات در حال بازجویی از زنی بوده که هم‌زمان مورد هتک ناموس به‌عنف قرار می‌گرفته و دادگاه فرمانده شخص بازجو را از بابت معاونت در جرم تجاوز جنسی مقصر دانست زیرا وی با حضور و سکوت خود عملاً مباشر اصلی را همراهی می‌کرد.<sup>۱۷</sup>

برای رفع مشکل نخست می‌توان به قید «مگر اینکه به نحو دیگری پیش‌بینی شده باشد» مراجعه کرد؛<sup>۱۸</sup> به این معنا که هرگاه مقررات اساسنامه یا قواعد حقوق بین‌المللی عرفی رکن معنوی دیگری را لازم بدانند، دیوان کیفری بین‌المللی آن را کافی تشخیص داده و بدان عمل خواهد کرد. برای حل مشکل دوم، پیشنهاد کسسه آن است که باید تفسیر ادبی را به نفع تفسیر منطقی کنار گذاشت و حرف ربط «و»<sup>۱۹</sup> را در مواردی که منطقیاً مقتضی باشد، «یا»<sup>۲۰</sup> تفسیر کرد. بدین ترتیب ماده ۳۰ اساسنامه به سهل‌انگاری و مسامحه به‌عنوان مصادیقی از عنصر روانی، اشاره‌ای نکرده است. منتقدان این دکترین با این عقیده که تعریف ارائه‌شده در بند ۲ ماده ۳۰ به گونه‌ای است که سهل‌انگاری را نیز در بر می‌گیرد، موافق نیستند زیرا آنچه در سهل‌انگاری وجود دارد پیش‌بینی نمودن است، در حالی که آنچه در بند ۲ ماده ۳۰ آمده است، آگاهی و قطع‌داشتن نسبت به وقوع نتیجه خاص (علی‌رغم عدم تمایل نسبت به وقوع آن) است. شخص بمب‌گذاری که به قصد از بین بردن کالاهای موجود در هواپیمای مسافربری، در آن بمب می‌گذارد، در صورت انفجار هواپیما و کشته شدن مسافران، قصد قتل آن‌ها را نداشته، گرچه می‌داند که این نتیجه «در روند طبیعی امور» رخ خواهد داد، در حالی که هرگاه وی علی‌رغم اینکه احتمال حضور مسافران را در هواپیما می‌دهد، با بی‌تفاوتی نسبت به این احتمال و بدون تحقیق بیشتر، به قصد از بین بردن محموله هواپیما، آن را بمب‌گذاری کند، نسبت به قتل مسافران، سهل‌انگار<sup>۲۱</sup> محسوب خواهد شد زیرا تنها از کنار یک پیش‌بینی با بی‌تفاوتی گذشته است.<sup>۲۲</sup> مؤید این نظر، پرونده

۱۶. همان، ۲۱۷.

17. *Prosecutor v. Anto Furundzija*, Judgement, Case No.: IT-95-17/1-T, 10 December 1998, p. 5.

۱۸. کسسه؛ همان، ص ۲۳۳.

19. And

20. Or

21. Reckless

۲۲. میر محمد صادقی، حسین؛ دیوان بین‌المللی کیفری، دادگستر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴.

استاک‌بیچ در دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی است. شعبه بدوی در پرونده دادستان علیه متهم کایشما، که دادستانی استدلال می‌کند: متهم می‌تواند در صورت ارتکاب فعل یا ترک فعل «با عمد، بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری شدید» مسئول شناخته شود، این عقیده را نمی‌پذیرد و پاسخ می‌دهد که اگر صرفاً بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری کافی باشد تا متهم به‌عنوان مسئول چنین جنایتی شناخته شود، با مضمون و ساختار ماده ۵ ناسازگار است. بنابراین، شعبه معتقد است که آستانه رکن معنوی نمی‌تواند کمتر از قصد، مورد نیاز برای قتل به‌عنوان جنایت علیه بشریت باشد.<sup>۲۳</sup>

همین‌طور در دیوان کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۷ در پرونده لویانگا با همین استدلال رأی صادر شد؛ با این توضیح که مفهوم بی‌احتیاطی تنها مستلزم آن است که مرتکب از وجود خطری که می‌تواند عناصر عینی جنایت ناشی از فعل یا ترک فعل‌های او باشند، آگاهی داشته باشد، اما مستلزم آن نیست که از نتیجه آگاه باشد؛ تا آنجا که بی‌احتیاطی مظنون را ملزم نمی‌کند که خود را با علت و عناصر عینی جنایت در نتیجه فعل یا ترک فعل‌های خود منطبق سازد زیرا بخشی از مفهوم قصد نیست. به گفته فلچر، «بی‌تدبیری شکلی از «کولپا»<sup>۲۴</sup> است، معادل چیزی که حقوق‌دانان آلمانی آن را سهل‌انگاری آگاهانه می‌نامند. چون در هر دو مورد، فاعل جرم می‌داند که ممکن است رفتار او نتیجه خاصی ایجاد کند، مشکل تشخیص قصد و بی‌تدبیری به وجود می‌آید». بنابراین بی‌احتیاطی نیاز به وجود «قصد و آگاهی» مندرج در ماده ۳۰ اساسنامه را ایجاب نمی‌کند. در نتیجه سهل‌انگاری نیز با شروط «قصد و آگاهی» مندرج در ماده ۳۰ اساسنامه تطبیق نمی‌کند.<sup>۲۵</sup>

23. *Prosecutor v. Stakic*, Judgment, IT-97-24-T, Tch II, 31 July 2003, para. 642.

Relying on the Judgement of the Trial Chamber in *Prosecutor v. Kayishema*, the Prosecution argues that an accused can be held liable for his acts or omissions if they have been committed "with intention, recklessness, or gross negligence". This Trial Chamber does not agree and finds that it would be incompatible with the character of the crime of extermination and with the system and construction of Article 5 if recklessness or gross negligence sufficed to hold an accused criminally responsible for such a crime. It therefore considers that the threshold for the *mens rea* cannot be lower than the intent required for murder as a crime against humanity.

24. *Culpa*

25. *Prosecutor v. Lubanga Nyilo*, Confirmation Decision, ICC/01/04-01/06, PT ch I, 29 January 2007, . The concept of recklessness is only that the perpetrator be aware of the existence of a risk that the objective elements of the crime may result from his or her actions or omissions, but does not require that he or she reconcile himself or herself with the result. In so far as recklessness does not require the suspect to reconcile himself or herself with the causation of the objective elements of the crime as a result of his or her actions or omissions, it is not part of the concept of intention. According to Fletcher, "Recklessness is a form of culpa – equivalent to what German scholars call conscious negligence. The problem of distinguishing intention and recklessness arises because in both cases the actor is aware that his conduct might generate a specific result." Hence recklessness does not meet the "intent and knowledge" requirement embodied in article 30 of the 1111statute. The same conclusion is reached by ESER, A., "Mental element-mistakes of fact and law" in the Rome statute of the international criminal court: .... negligence likewise does not meet the "intent and knowledge" requirement embodied in article 30 of the statute.

البته می‌توان گفت که وجود عبارت «جز در مواردی که به نحو دیگر مقرر شده باشد»، در بند ۱ ماده ۳۰ (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) به معنی آن است که هر گاه به‌موجب ماده دیگری از اساسنامه، برای تحقق یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، رکن معنوی پایین‌تری از قصد و نیت پیش‌بینی شده باشد، همان برای محکوم‌کردن مرتکب کفایت خواهد کرد. نمونه بارز این امر در بند (a) ۱ از ماده ۲۸ قابل ملاحظه است. بر اساس این بند، فرمانده نظامی، یا کسی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام می‌دهد، به‌خاطر قصور در کنترل نیروهای تحت فرماندهی‌اش و در نتیجه ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان از سوی آن نیروها، دارای مسئولیت کیفری خواهد بود، اعم از آنکه می‌دانست یا می‌بایست می‌دانست که آنها جرم مذکور را مرتکب شده یا در شرف ارتکاب آن هستند. این حالت اخیر به‌وضوح، قصور و مسامحه فرمانده نظامی را به‌عنوان رکن معنوی وی کافی می‌داند. علاوه بر این، اگر عبارت «جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد»، نه‌تنها اشاره به اساسنامه، بلکه اشاره به سایر منابع مذکور در بند (الف) و حتی در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲۱ نیز داشته باشد (که چندان مسلم نیست). در آن حالت در منابع مذکور، مثل «عناصر متشکله جرایم» نیز گاهی مشاهده می‌شود که در تبیین عناصر روانی جرم خاصی، مسامحه یا سهل‌انگاری، کافی دانسته شده است. برای مثال، در مورد جرایم ارتكابی علیه اشخاص کمتر از ۱۵ یا ۱۸ سال، از علم مرتکب به نرسیدن قربانی به سن مشخص شده یا از اینکه مرتکب می‌بایست می‌دانست که وی سنی کمتر از میزان مشخص شده دارد سخن گفته شده است.<sup>۲۶</sup> حتی در مقدمه ماده ۶ از «عناصر متشکله جرایم»، راجع به جرم نسل‌زدایی، عبارت «علی‌رغم شرط عادی عناصر روانی مذکور در ماده ۳۰...» قید شده که گمان می‌رود طراحان این سند، باور به پیش‌بینی چیزی فراتر از آنچه در ماده ۳۰ درج شده، به‌عنوان رکن معنوی جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی داشته‌اند.

ذکر قصد و علم در کنار هم و مرتبط‌کردن آنها به یکدیگر با استفاده از حرف ربط «و»،<sup>۲۷</sup> که ظاهراً به معنی لزوم وجود هر دو عنصر در کنار یکدیگر جهت مسئول شناخته‌شدن مرتکب است (که این دکترین برخی کشورها از جمله فرانسه در مذاکرات راجع به اساسنامه بود)، می‌تواند عامل دیگری برای تحدید بلاجهت معنی و مفهوم رکن معنوی مذکور در ماده ۳۰ باشد. برخی از علمای حقوق بین‌الملل برای حل این مشکل اظهار داشته‌اند که در حقوق بین‌الملل می‌توان تفسیری منطقی را بر تفسیر ادبی صرف، در صورتی که این کار باعث کارآشیدن<sup>۲۸</sup> یک سند بین‌المللی و نیز هماهنگی با اهداف آن باشد، ترجیح داد. آنان در نتیجه معتقدند که واژه «و» را

26. Article 6(e) ICC Statute: "Genocide by forcibly transferring children Elements", 6. The perpetrator knew, or should have known, that the person or persons were under the age of 18 years.

27. And

28. Effectiveness

می‌توان به معنی «یا»<sup>۲۹</sup> محسوب کرد و به تبع آن، برای تحقق رکن معنوی مذکور در ماده ۳۰، گاهی وجود هر یک از دو قصد و علم را به تنهایی کافی دانست. برای مثال، لازم نیست معاون یا شریک جرم از «قصدی» مشابه مباشر برخوردار باشد بلکه صرف «آگاهی» او نسبت به اینکه رفتارش به مباشر در ارتکاب جرم کمک می‌کند، کفایت خواهد کرد.

در تأیید این نظر می‌توان به بند چهارم قسمت (الف) ۲ از ماده ۸ اساسنامه در مورد جنایات جنگی اشاره کرد. هرچند در متن بند مذکور، «نابودکردن گسترده و تصاحب مال» به‌عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی ذکر شده است، مدرک موسوم به «عناصر تشکیل‌دهنده جرایم»، این جرم جنگی را در مواردی محقق می‌داند که «مرتکب مال خاصی را نابود ساخته یا تصاحب نماید».<sup>۳۰</sup>

*آلبین اسر* برخلاف کسسه عقیده دارد در تفسیر ماده ۳۰ در مورد اینکه باید قصد و علم را با هم دانست یا بدون هم، جمع این دو با هم بهتر از جدایی‌شان است زیرا ممکن است این سوء تفسیر سبب شود که با اثبات قصد متهم بدون اینکه وی ضرورتاً از تمام اوضاع و احوال و نتیجه جرم بدون آنکه واقعاً قصد انجام آن را داشته باشد، جرم بین‌المللی قابل مجازات به وجود آید.<sup>۳۱</sup> بنابراین با نگاهی به مجموع دیدگاه‌های مختلف و با تکیه بر تفسیر مضیق مقررات کیفری و متکی بر تفسیر لفظی می‌توان پذیرفت: آنچه از ماده ۳۰ اساسنامه دیوان دریافت می‌شود این است که دو عنصر علم و آگاهی باید در کنار هم باشند تا رکن معنوی لازم برای ارتکاب جرم محقق شود و در خصوص سهل‌انگاری و مسامحه شدید برخلاف نظر کسسه، با توجه به بحث‌ها و متون پیش‌نویس مختلف برای مقررات نهایی اساسنامه که در آن مباحث و متون پیشنهادی عنصر سهل‌انگاری نیز وجود داشت، حذف آن از متن اساسنامه عمدی بوده، یعنی کشورها مایل به تسری صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم مبتنی بر سهل‌انگاری یا مسامحه نبوده‌اند.

### ۳. قصد مضاعف در رکن معنوی معاونت

یکی از ابعاد مهم تعیین‌کننده در مفهوم معاونت در ارتکاب جرم، موضوع رکن معنوی معاون جرم است. مطابق اصول و قواعد حقوق جزا، یک عمل زمانی جرم محسوب می‌شود که متضمن سه عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی یا روانی باشد؛ یعنی نخست باید متن قانونی قبل از

29. Or

۳۰. میرمحمدصادقی، حسین؛ دیوان بین‌المللی کیفری، دادگستر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸.

31. Eser, Albin, "Mental Elements – Mistake of Fact and Mistakes of law", in: Antonio Cassese (ed.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: a Commentary*, Oxford: Oxford University Press, 2002, pp. 905-906.

رفتار مجرمانه وجود داشته باشد و انجام آن اعمال را مجرمانه اعلام کند. دوم باید اقدامات و اعمالی ارتکاب یابد تا جرم محقق شود و سوم، شخص مجرم باید هنگام ارتکاب این اقدامات، قصد و اراده مجرمانه داشته یا از تقصیر جزایی برخوردار باشد.

معاونت در ارتکاب جرم نیز از این قواعد پیروی می‌کند. شخص معاون جرم یا همدست مجرم باید آگاهانه به مباشر جرم کمک کند. بنابراین فردی که نوعی از کمک را به شخص دیگری ارائه می‌کند، بدون آنکه بداند این کمک موجب تسهیل ارتکاب جرم می‌شود، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.<sup>۳۲</sup> به‌عنوان قاعده کلی می‌توان گفت که ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها به مباشر اصلی، بلکه طبق ماده ۲۵ به سایر مشارکت‌کنندگان نیز قابل اعمال است.

اما در خصوص رکن معنوی معاونت و همکاری در ارتکاب جرم، ویژگی خاصی به نظر می‌رسد که از آن به «آگاهی و قصد مضاعف»<sup>۳۳</sup> تعبیر می‌شود. منظور از آگاهی و قصد مضاعف در رکن معنوی معاونت در جرم آن است که معاون علاوه بر آگاهی از فعل خودش و برخورداری از قصد فردی، باید همچنین از قصد مباشر یا متهم اصلی نیز آگاه باشد. در هر دو، الزامات قصد و آگاهی اساساً مشابه با مواردی است که در آن یک مباشر واحد وجود دارد. ماده ۳۰ اساسنامه، قصد و علم را تنها عناصر معنوی جرائم بین‌المللی محسوب می‌کند. اما در خصوص رکن معنوی معاونت در جرایم بین‌المللی، آگاهی و قصد دوگانه یا مضاعف لازم است. معاون جرم باید هم از فعل خویش و هم از رفتار مباشر آگاه باشد، همچنان که ضرورت دارد تا قصد ارتکاب همدستی با مباشر در انجام عملی داشته باشد که مقصود وی بوده است. بنابراین در صورتی که یکی از مقاصد مجرمانه وجود نداشته یا محقق نشود، رکن معنوی رفتار معاونت در ارتکاب جرم، ضرورتاً مخدوش خواهد شد.

### ۱-۳. عنصر آگاه‌بودن به خصوصیات غیرقانونی یک عمل

ابهامی که رفع و روشن‌شدن آن در حقوق بین‌الملل کیفری اهمیت دارد، این است که آگاه‌بودن یا نبودن عامل یک عمل، از خصوصیت نامشروع و غیرقانونی آن رفتار که از عناصر ساختاری جرم محسوب شده، در مجرمیت تأثیر دارد یا بی‌اثر است؟ پاسخ دکترین حقوق کیفری به این پرسش مثبت است و آگاه‌بودن یا نبودن عامل یک عمل از فقدان مشروعیت آن عمل را از عناصر مهم و اصلی جرم تلقی می‌کند زیرا این «آگاهی» در شرایط روحی و روانی عامل هنگام ارتکاب جرم می‌توانست در قصد و نیت او تأثیر زیادی داشته باشد.

32. Schabas, William, *The UN International Criminal Tribunals: The Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge University Press, 2006, p. 304.

33. Double Knowledge and Intent

این نظریه اهمیت فزاینده‌ای نزد متفکران و کارشناسان حقوق کیفری کشورهای با ماهیت عرفی نظیر آلمان، اتریش و سوئیس دارد زیرا قواعد حقوقی چنین سیستم‌هایی در تمیز اعمال مشروع از اعمال غیرقانونی نه تنها دقیق و خیلی روشن نیستند، بلکه در موارد زیادی مبهم بوده و جای بحث و گفتگو باقی می‌گذارند. در نتیجه بسیار پیش می‌آید که عامل یک جرم با توجه به ابهام و روشن نبودن قواعد عرفی که در زمان و مکان نیز پراکندگی و گوناگونی دارند، در واقع از خصوصیت نامشروع آن آگاه نبوده، در غیر این صورت به ارتکاب آن مبادرت نمی‌کرد. برای مثال، هنوز تردید وجود دارد که آیا یورش و غرق کردن کشتی بازرگانی دشمن که به جنگ‌افزارهای دفاعی مجهز شده، بدون اخطار قبلی، در اثنای مخاصمه مسلحانه، عملی مخالف حقوق جنگ است یا نه؟ همچنین در مفهوم واقعی قرارداد لاهه ۱۹۰۷ در مورد مین‌های اتوماتیک زیرآبی و پخش آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد، یا آنکه معنای مدلول قرارداد لاهه در مورد «تخریب یا سلب مالکیت اموال»، بدون ضرورت و الزام نظامی دلخواهانه و غیرقانونی، در مقیاس گسترده، به‌طور کامل روشن نیست (ماده ۱۴۷ قرارداد). به‌علاوه چنان که دیده شد، اختلاف‌نظرهای زیادی در مورد مدلول قرارداد چهارم لاهه در آنچه مربوط به «معارضه به مثل» می‌شود، وجود دارد.<sup>۳۴</sup>

همچنین تا قبل از قراردادهای ژنو ۱۹۴۹ درباره جنگ و حقوق انسانی در مورد گروگان‌گیری در زمان جنگ یا اعدام گروگان‌ها، اختلاف نظر بزرگی بین حقوق‌دان‌ها و سیاستمداران وجود داشت. برای مثال، در قانون نظامی امریکا تا پیش از قراردادهای «حقوق انسانی» ژنو، گروگان‌گیری در زمان جنگ، عملی مشروع بود ولی قرارداد چهارم ژنو ۱۹۴۹ این عمل را ممنوع و ارتکاب آن را جنایت بین‌المللی تلقی کرد و در نتیجه امریکا نیز تغییرات لازم را در این مورد در قانون کیفری نظامی خود ملحوظ داشت. باید توجه داشت که جنگ‌های مدرن کنونی و با فناوری بسیار پیشرفته در تولید جنگ‌افزارهای غیراتمی، مسایل بسیار گوناگون و پیچیده‌ای را مطرح می‌کند که حقوق بین‌الملل قراردادی هنوز پاسخی برای آن‌ها ندارد. برای مثال، بمباران‌های هوایی در چه شرایطی ممنوع خواهند بود؟ مرزهای این محدودیت چیست؟ چگونه باید منافع و حقوق شهروندان عادی و غیرنظامی را رعایت کرد؟<sup>۳۵</sup>

در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ کنفرانس‌هایی با حضور حقوق‌دان‌ها و متخصصان نظامی برگزار شد تا درباره جنگ‌های هوایی قانونگذاری کند. این کنفرانس‌ها که به ریاست حقوق‌دان برجسته به نام پرفسور ای - بی‌مور<sup>۳۶</sup> تشکیل شد، متنی در این مورد تنظیم کرد ولی اعتبار اجرایی نیافت.

۳۴. فیوضی، رضا؛ حقوق بین‌الملل کیفری، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۶۴.

35. The Law of Land Warfare, Department of the Army, F.M. 2710, July 1956.

36. I.B., Moor.

به‌طور کلی در شرایط جنگ، احتمال زیادی می‌رود که فردی که در اجرای امر مافوق به عملی مبادرت می‌کند از خصوصیات نامشروع آن آگاه نباشد یا لاقلاً تصور کند که این عمل، «رفتار متقابل یا معامله به مثل» و نظایر آن‌ها بوده و به این دلیل نامشروع نیست.<sup>۳۷</sup>

آلبین/سر معتقد است که نفس آگاهی در واقع قسمتی از قصد است و گرچه در ماده ۳۰ اساسنامه، عنصر آگاهی جداگانه آمده است، آگاهی می‌تواند بخشی از قصد را بسازد؛ یعنی مباشر اصلی یا کمک‌کننده یا معاونت‌کننده از نتیجه جرم که در مسیر طبیعی وقایع اتفاق خواهد افتاد، آگاه باشد. بنابراین آگاهی نه تنها عنصر ضروری قصد است، بلکه در قصد مستقیم درجه ۲ یا حتی بی‌مبالاتی، حداقل تا جایی که آگاهی از عواقب طبق بند (ب) ۲ ماده مزبور مربوط است، عنصر کمکی است.<sup>۳۸</sup>

درباره شرط آگاهی در رکن معنوی در جنایات بین‌المللی و اینکه مباشر اصلی یا کمک‌کننده و همدست باید آگاه باشد که یک نتیجه در مسیر طبیعی وقایع اتفاق خواهد افتاد، چهار نکته به نظر می‌رسد:

(الف) فرد حتی اگر نمی‌تواند عواقب عمل خود را به‌صورت جزئی پیش‌بینی کند باید حداقل ایده کلی از ویژگی‌های اساسی آنچه اقدامش به دنبال دارد، داشته باشد.

(ب) فرد نباید انتظار وقایع استثنائی در رابطه با مسیر طبیعی واقعه را داشته باشد. مثلاً فردی که کمک می‌کند تا دیگری یک جمعیتی را از غذا و دارو به قصد نابودی محروم کند، نباید انتظار داشته باشد که یک نیروی خارجی به‌صورت غیرمنتظره از طریق مسیر هوایی برای آن‌ها غذا و دارو بفرستد (حتی اگرچه بعداً ممکن است چنین امری اتفاق افتاده باشد).

(ج) آگاهی از علیت یا سببیت یعنی ارتباط بین فعل و نتیجه است. در این رابطه لزومی به دانستن جزئیات زنجیره اقدام و نتیجه نیست.

(د) در خصوص آگاهی با توجه به نتیجه، تمایز بین انحراف اساسی از انحراف غیراساسی مباشر اصلی در ارتکاب جرم است که به وضعیتی به نام «اقدام منحرف‌شده» تعبیر می‌شود، مثل زمانی که معاون به قصد کشتن فرد (الف) مساعدت کرده ولی مباشر فرد (ب) را هدف قرار می‌دهد. گاهی هر دو هدف در نوع و ارزش مشابه‌اند (مثل اینکه هر دو انسان باشند). در دکتترین دوم، کشتن فرد (ب) قتل عمدی به حساب نمی‌آید ولی متهم دو جرم دارد. در خصوص (الف) «تلاش برای کشتن» و در مورد فرد (ب) «قتل مسامحه‌ای» گفته می‌شود. البته اگر مباشر نسبت به نتیجه فعل خود بی‌تفاوت باشد، مثل کسی که به طرف جمعیتی شلیک می‌کند، این تفسیر

۳۷. فیوضی؛ همان، ص ۶۴.

38. Eser, Albin, *op.cit.*, pp. 905-906.

نسبت به وی اعمال نمی‌شود.<sup>۳۹</sup>

همان طور که گفته شد، در مورد رکن معنوی معاونت، به‌عنوان قاعده کلی، ماده ۳۰ نه‌تنها به مباشر اصلی بلکه طبق بند ۳ ماده ۲۵ به سایر مشارکت‌کنندگان، اعم از دستوردهنده، تشجیع‌کننده، تحریک‌کننده، کمک‌کننده، معاونت‌کننده و هر نوع مساعدت‌کننده، از جمله فراهم‌کننده ابزار جرم، و همچنین تحریک‌کننده به نسل‌زدایی و شروع‌کننده به ارتکاب جرم (در صورتی که داوطلبانه آن را رها نکند) نیز قابل اعمال است. برخلاف اساسنامه رم، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مشارکت پس از اقدام را پذیرفته است؛ آن هم در صورتی که همدست از طریق حمایت از اقدام عملی ارتکاب جرم، از قبل یا در حین ارتکاب جرم یا پس از آن مشارکت داشته باشد. در این حالت، وی برای تمام نتایج طبیعی حاصل از ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری دارد.<sup>۴۰</sup>

با توجه به مراتب مذکور در زمینه عنصر آگاه‌بودن عامل از خصوصیت و ماهیت عملی که انجام می‌دهد، می‌توان به نتیجه‌گیری‌های زیر دست یافت:

۱. آگاه‌بودن یا نبودن عامل یک جرم از خصوصیت نامشروع آن عمل از عناصر ساختاری جرم بوده و در حدود و میزان مجرمیت عامل تأثیر دارد. این قاعده، هم در حقوق ملی معتبر است و هم در حقوق کیفری بین‌المللی؛

۲. به دلیل نارسایی، ابهام و تنگناهای حقوق بین‌الملل کیفری که ناشی از خصوصیت عرفی این حقوق است، قواعد حقوقی عرفی در موارد زیادی روشنی و محدوده معینی ندارد. در نتیجه این احتمال که یک عامل از خصوصیت نامشروع عمل خود آگاه نباشد، بسیار زیاد است. نتیجه آنکه در تعیین کیفر این قبیل جرایم که بدون آگاهی مرتکب رخ می‌دهد، باید به این عامل توجه شود.

نکته دیگر اینکه میزان آگاهی شخص از رفتار شخص مجرم اصلی در رویه‌های دادگاه بین‌المللی متفاوت است. دادگاه‌های موقت ویژه سیرالئون و کامبوج، آستانه نسبتاً پایینی را بیان کرده‌اند. در این دادگاه‌ها آگاهی از اینکه رفتار فرد به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند، برای تحقق شرایط کافی است.<sup>۴۱</sup> در برخی دادگاه‌ها با توسعه معیارهای آگاهی، عنصر روانی شخص

39. *Ibid.*

۴۰. نجفی، رضا؛ سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ناشر روزنامه رسمی کشور، شماره چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲.

41. In *Khieu*, the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia Appeals Chamber adopted a very narrow interpretation of the aiding and abetting liability standard, diverging from its preceding judgment in *Kaing* and the jurisprudence of the ad hoc tribunals. While this Article treats *Khieu* as an outlier, the fragmentation within the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia undoubtedly deserve greater attention elsewhere. See: *Prosecutor v. Khieu*, Case No. 002/ 19-09-2007-ECCC/SC, Appeals Judgment, 9 789 (Nov. 23, 2016); *Prosecutor v. Kaing*, Case No. 001/18-07-2007/ECCC/TC, Trial Judgment, q1 535 (July 26, 2010).



معاون را از طریق «شرایط مربوطه» که در واقع همان شرایط وقوع جنایت توسط معاون و مجرم اصلی است، و همچنین آگاهی نسبت به عناصر اساسی جرم و آگاهی مجرم اصلی بر حمایت‌ها و کمک‌های معاون به منظور ارتکاب جرم به‌عنوان معیار بیان کرده‌اند.<sup>۴۲</sup> اما معیار دیگری که نسبت به دو معیار فوق متعادل‌تر و محتاطانه‌تر است، استفاده از عنصر سهل‌انگاری است. بر مبنای همین استاندارد، دادستان در دادگاه کیفری یوگسلاوی در قضیه بردانین<sup>۴۳</sup> بیان داشت که صرف آگاهی از خطر ارتکاب از جنایات متعدد، هرچند معاون به همه جنایات آگاهی نداشته باشد، برای عنوان معاونت کافی است.<sup>۴۴</sup>

### ۲-۳. عنصر قصد برای ارتکاب جرم معاونت

برای اینکه رکن معنوی معاونت به‌صورت کامل تحقق یابد، باید علاوه بر اینکه شخص به مجرمانه‌بودن رفتار خود آگاهی داشته باشد، نسبت به عمل مورد نظر، یعنی کمک به مباشر جرم در جهت انجام جرم اصلی قاصد باشد. مقصود از قصد مجرمانه آن است که معاون علی‌رغم علم و آگاهی از مجرمانه‌بودن عمل اصلی، با اراده‌ای آزاد خواستار همکاری با فاعل بوده و خواهان تحقق جرم باشد.

ابهام و چندگانگی در مورد معنای اصطلاح «قصد» در اساسنامه دیوان وجود دارد. همان گونه که برخی حقوق‌دانان نیز اظهار داشته‌اند، قصد در بندهای مختلف ماده ۳۰ اساسنامه، دارای مفاهیم متفاوتی است. به نظر ایشان، «آگاهی» و «قصد» در بند نخست در مفهوم عمومی که اشاره به ارادی‌بودن و آگاهانه‌بودن دارد، به کار رفته است؛ در حالی که منظور از قصد در قسمت‌های (الف) و (ب) بند ۲ ماده ۳۰ صرف اراده نیست.<sup>۴۵</sup>

برخی از حقوق‌دانان دیگر معتقدند که فقط عنصر آگاهی برای تحقق جرم معاونت لازم است و لزومی به وجود قصد در جرم معاونت نیست؛ لذا بیان می‌دارند:<sup>۴۶</sup>

قضایای حقوقی سرشار از اشاره به این موضوع هستند که لزومی ندارد کمک‌کننده و معاونت‌کننده در رکن معنوی مباشر اصلی سهیم باشند. بنابراین ممکن است که به‌طور مثال، فردی به همدستی در ارتکاب نسل‌زدایی محکوم شود بدون آنکه قصدی برای ارتکاب نسل‌زدایی

42. *Prosecutor v. Lukic*, Case No. IT-98-32/ 1-T, Trial Judgment, 2009.

43. *Prosecutor v. Brdanin*, Case No. IT-99-36-T, Trial Judgment, ICTY, 2004.

44. Hathaway, Oona A., Francis, Alexandra, Haviland, Aaron, Srinath Kethireddy, Srinath Reddy, Yamamoto, Alyssa T., "Aiding and Abetting in International Criminal Law, *Cornell Law Review*, vol. 104, Issue 6, September 2019, pp. 1613-1614.

45. Sliedregt, E. Van, *The Criminal Responsibility of Individuals for Violations of International Humanitarian Law*, The Hague: T. M. C. Asser Press, 2003, p. 47.

داشته باشد. اما اگر کمک‌کننده یا معاونت‌کننده علم داشته باشد که مباشر اصلی قصد ارتکاب نسل‌زدایی را دارد، کمک‌کننده و معاونت‌کننده، ذهنیت گناهکار یک نسل‌زدا را دارد. باید بین شقوق مختلف در بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان یا سایر اساسنامه‌ها قائل به تفکیک شد. اما باید توجه داشت که در ماده ۲۵ از نظریه‌های متفاوتی در تصویب و وضع مواد اساسنامه استفاده شده است. در خصوص نسل‌زدایی، برخلاف سایر موارد و صورت‌های معاونت، از نظریه مستقل‌بودن جرم معاونت پیروی شده است، در حالی که در سایر موارد اساسنامه از نظریه عاریه‌ای استفاده شده است. بنابراین برای نسل‌زدایی نیازی به این نیست که جرم اصلی واقع شود.

نکته بعدی اینکه بین قصد معاون و مباشر، نسل‌زدایی و قصد معاون در وقوع جرم اصلی از طریق معاونت باید قائل به تفکیک شد. توضیحاً اینکه در جرم معاونت به‌طور کلی بر اساس نظریه مستقل‌بودن معاونت، دو نوع قصد وجود دارد؛ یکی اینکه معاون با قصد به مباشر در تسهیل یا تحریک به جرم معاونت می‌کند، بدون اینکه در جرم اصلی دخالت داشته باشد، و دیگر اینکه معاون در ارتکاب جرم اصلی نیز قصد داشته باشد. در جرم معاونت در نسل‌زدایی، صرف قصد معاونت در نسل‌زدایی بدون در نظر گرفتن واقع‌شدن جرم اصلی، معاونت در نسل‌زدایی به وقوع پیوسته است، در حالی که در نظریه عاریه‌ای بودن، وجود قصد معاون بر اینکه با مجرم اصلی همراهی کند، یکی از شرایط ضروری تحقق معاونت در جرایم بین‌المللی است. بنابراین به نظر می‌رسد که وجود قصد برای تحقق جرم معاونت، ضروری است.

#### ۴. رکن معنوی معاونت در جنایات بین‌المللی

جنایاتی در نظام بین‌الملل به وقوع می‌پیوندند که ناقض هنجارهای گوناگونی از حقوق بین‌الملل هستند. اما جرایمی وجود دارد که از نگاه حقوق بین‌الملل، علاوه بر اینکه والاترین و برترین ارزش‌های مورد احترام جامعه بین‌المللی نظیر صلح، امنیت، کرامت انسانی، استقلال و تمامیت سرزمینی را نقض می‌کنند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری از همه جهات بر پیکره جامعه بین‌المللی وارد می‌سازند. از مهم‌ترین جنایاتی که در حقوق بین‌الملل می‌توان نام برد، آن‌هایی هستند که مطابق ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی،<sup>۴۷</sup> به‌عنوان خطرناک‌ترین جنایات ذکر شده‌اند. این جنایات عبارت‌اند از ژنوساید، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز سرزمینی. هر کدام از این‌ها تعاریف ویژه خود را دارند.

47. Article 5: "crimes within the jurisdiction of the Court", The jurisdiction of the court shall be limited to the most serious crimes of concern to the international community as a whole. The court has jurisdiction in accordance with this statute with respect to the following crimes:

(a) The crime of genocide; (b) Crimes against humanity; (c) War crimes; (d) The crime of aggression.

## ۱-۴. نسل‌زدایی

ژنوساید یا نسل‌زدایی<sup>۴۸</sup> ابتدائاً به‌عنوان جنایت مستقل در حقوق بین‌الملل مطرح نبود، بلکه از جمله مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب می‌شد. اولین بار واژه ژنوساید را سازمان ملل در نخستین تصمیم مجمع عمومی و در قطعنامه ۸۶۱ در دسامبر ۱۹۴۶ صراحتاً عنوان کرد. بعدها این تعبیر یا اصطلاح در اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی اعم از دائم و موقت به کار رفت. کنوانسیون مربوط به پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌زدایی که در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب و از ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ وارد مرحله اجرا شد، در ماده ۲ و در تعریف نسل‌زدایی که عیناً در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تکرار شده، اشعار می‌دارد:

در این کنوانسیون، نسل‌زدایی به معنی هر یک از اعمال ذیل است که با قصد از بین بردن کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابد:

۱. کشتن اعضای گروه.
۲. وارد کردن صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه.
۳. تحمیل عمدی شرایط سخت زندگی به گروه که به از بین بردن فیزیکی آن به‌طور کلی یا جزئی بینجامد.
۴. اعمال اقداماتی که به قصد جلوگیری از زاد و ولد در داخل گروه باشد.
۵. انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروهی دیگر.

این تعریف در سایر اسناد نیز به‌عنوان تعریف ژنوساید به کار رفته است. در واقع برای اینکه جرم کشتار جمعی (ژنوساید) به وقوع بپیوندد باید نخست، اعمال تعدی‌آمیز علیه یک «گروه انسانی» سازمان یابد؛ دوم، این اقدامات از نوع اعمالی باشد که در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی احصا شده است؛ سوم، این اعمال با «قصد خاص» و به «منظور» نابودی اعضای گروه ارتکاب یافته باشد.<sup>۴۹</sup> ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تنها این اعمال جنایت‌آمیز را بالمباشره منع ننموده است، بلکه هر نوع واسطه ارتکاب عمل را به منزله معاونت و همکاری در جنایات و همچنین تبانی و توافق به منظور ژنوساید با تحریک مستقیم و مسلم مباشر، جرم‌انگاری نموده است. بدیهی است به استناد ماده مذکور، مثلاً اشخاصی که با انجام مطالعات علمی و در نتیجه ساختن سلاح‌های مرگبار یا با فروش یا ارسال آن‌ها برای مسئولین برخی از دول جنایتکار یا با اعمال مشابه دیگر، ارتکاب جرم نسل‌زدایی را توسط مرتکبان اصلی ممکن

48. The Crime of Genocide

۴۹. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق بین‌الملل کیفری (گزیده مقالات)، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۸۷، ص ۶۸.

می‌سازند، قابل مجازات اعلام می‌نماید.<sup>۵۰</sup> با ملاحظه ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و در کنارهم قرارداد با مواد ۲ و ۳ کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی می‌توان گفت جنایت نسل‌زدایی نیازمند قصد خاص نابودسازی است. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا معاون باید از این نیت و قصد خاص آگاه باشد؟ به نظر می‌رسد علم و آگاهی معاون نسبت به انجام فعل نسل‌زدایی از سوی مجرم اصلی لازم است چرا که در غیر این صورت، وحدت قصد که از ارکان جرم معاونت است، مورد خدشه خواهد بود. البته این موضوع در سایر جنایات بین‌المللی مانند جنایت علیه بشریت نیز جاری است. *رادیسلاو کرستیچ* در دیوان بین‌المللی یوگسلاوی به جرم معاونت در نسل‌زدایی محکوم شد. در رأی این دیوان آمده است که او می‌دانست که با اجازه‌دادن به استفاده از منابع مالی نیروی نظامی «درینا» موجب اعدام هزاران زندانی بوسنیایی در سرینستا خواهد شد؛<sup>۵۱</sup> به این معنی که کرستیچ از قصد خاص (اعدام زندانیان) مطلع بود و با همین آگاهی و علم، اجازه استفاده از منابع مالی را داد. در قضیه *سلوبودان میسلویچ* نیز متهم با آگاهی و قصد مبنی بر اینکه این کمک‌ها منجر به کشتار مسلمانان بوسنی خواهد شد، اقدام نموده بود.<sup>۵۲</sup> البته دیوان‌های بین‌المللی کیفری در پاره‌ای موارد، صرف حمایت معنوی معاون از مجرم را حتی اگر از قصد دقیق او مطلع نبوده باشد، معاونت در جرم محسوب کرده‌اند.<sup>۵۳</sup>

## ۲-۴. جنایت علیه بشریت<sup>۵۴</sup>

به نظر می‌رسد مفهوم جنایت علیه بشریت در مفهوم مدرن آن، سال ۱۹۱۵ به کار رفت. در آن سال سه قدرت بزرگ انگلستان، روسیه و فرانسه، در اعلامیه مشترکی قتل عام ارمنه ترکیه را جنایت علیه بشریت و تمدن نامیده و مرتکبان آن را مسئول دانستند.<sup>۵۵</sup> تعریف جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به نظر اقدام مبتکرانه‌ای نیست، بلکه بیشتر بازتاب تحولات و پیشرفت‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از دیوان

۵۰. میرمحمدصادقی، حسین؛ بررسی جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق با نگاهی ویژه به جرایم علیه زنان، جلد اول، دادگستر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲.

51. *Prosecutor v. Radislav Krstic*, IT-98-33-A, Judgement, Appeals Chamber, 19 April 2004, paras. 135-144.

52. *Prosecutor v. Slobodan Milosevic*, Case No. IT-02-54-T, Trial Chamber, 2004.

53. *Prosecutor v. Georges Anderson Nderubumwe Rutaganda*, Case No. ICTR-96-3, p. 23.

54. Crimes against Humanity

۵۵. میرمحمدصادقی، حسین؛ *دادگاه کیفری بین‌المللی*، دادگستر، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲.

نورنبرگ به این سو است.<sup>۵۶</sup> مصادیق جنایت علیه بشریت طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به شرح ذیل است:

منظور از «جنایات علیه بشریت» در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروحه ذیل است، زمانی که در چارچوب حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی و با علم به آن ارتکاب یابد:

کشتار، نابودی گروهی، به‌بردگی بردن، تبعید یا کوچاندن اجباری جمعیت، زندانی یا محرومیت شدید از آزادی که با قواعد قانون اساسی حقوق بین‌الملل مغایرت دارد، شکنجه، هتک حرمت از زنان، بردگی جنسی، فحشای اجباری، بارداری اجباری، سترون کردن اجباری یا هر راه دیگر خشونت جنسی، تعقیب و آزار هر گروه به علل سیاسی، نژادی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا هر علت دیگر، ناپدیدسازی اجباری اشخاص، جنایت تبعیض‌نژادی، دیگر اعمال غیرانسانی مشابه که عامداً به قصد ایجاد رنج یا صدمات شدید جسمانی یا روانی افراد صورت گیرد.

به‌طور کلی عناصر مشترک در بین تمامی مصادیق جنایات علیه بشریت بدین قرار است: فعل مجرمانه، هم به لحاظ ماهیت و هم از جهت ویژگی‌ها، رفتاری غیرانسانی است؛ این فعل باعث رنج یا صدمه شدید جسمانی یا سلامت روحی و جسمی فرد می‌شود. به‌علاوه این رفتارها در قالب بخشی از تعرض و هجمه گسترده یا سازمان‌یافته علیه اعضای جمعیت غیرنظامی صورت می‌گیرد.<sup>۵۷</sup> طبع غالب مصادیق جنایت علیه بشریت به کیفیتی است که تنها به مباشرت محدود نمی‌شوند، بلکه معاونت در ارتکاب هریک از این مصادیق نیز تصورپذیر است. به همین سبب دیوان بین‌المللی رواندا *نازیریدا* را به اتهام معاونت در جنایت علیه بشریت مورد تعقیب قرار داد. جنایت ارتكابی وی معاونت و مساعدت در ارتكاب قتل بود.<sup>۵۸</sup> دادستان او را به‌خاطر حضور در محل واقعه و تشویق و فراهم‌آوردن تدارکات برای قتل، مجرم دانست. نکته مهم در این خصوص این است که *نازیریدا* با علم و آگاهی از وقوع جنایت و نیز اقدام برای ترغیب از طریق تشویق و حضور، مبادرت به ارتکاب جرم (معاونت در ارتکاب جنایت علیه بشریت) کرده است. در تأیید نظر فوق، *پل بیسنگیماننا* که در کشتار غیرنظامیان توتسی در کلیسای موشا در کمون جیکورو و در کلیسای روهانگا، بخش گیگاکا، معاونت در جنایت علیه بشریت کرده بود، با برنامه‌ریزی و آماده‌سازی اجرای قتل به مباشران قتل یاری رسانده و از آن‌ها حمایت می‌کرد. *پل بیسنگیماننا* با آگاهی و قصد نسبت به اقدامات مباشران و حمایت معنوی از آن‌ها اقدام کرد و در نتیجه، پیامد مستقیم رفتار او از جمله ارائه حمایت معنوی از مهاجمان، کشته‌شدن هزاران مرد، زن

۵۶. ساک، کریانگ و کیتی شیاپزری؛ *حقوق بین‌الملل کیفری*، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، سمت، ۱۳۹۳، ص ۱۷۷.

57. *Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu*, Case No. ICTR-96-4-T, ICTR T. CH. I, 2 SEPT, 1998.

58. *The Prosecutor v. Joseph Nzabirinda*, ICTR, 2001-77-T, 2007, p. 1.

و کودک غیرنظامی توتسی بود.<sup>۵۹</sup> در قضیه میلان ماتیچ در دیوان بین‌المللی یوگسلاوی نیز از دو عنصر قصد و علم به‌عنوان ارکان معاونت در جنایات که اقدام به برنامه‌ریزی و طراحی و آماده‌سازی را فراهم کرد، نام برده و در دادگاه به آن‌ها استناد شد.<sup>۶۰</sup>

نکته اساسی این است که کیفرخواست اعلامی علیه پل بیسنگیماننا بیان می‌دارد که وی در معاونت و همدستی با مباشر در جنایت علیه بشریت از طریق قتل با آگاهی و رضایت، اقدام به طراحی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی جرم فوق کرده است.<sup>۶۱</sup> توجه دادستانی به موانع مسئولیت کیفری دارای اهمیت است، چرا که وجود رضایت در معاونت ارتکاب جنایت از جمله مواردی است که بیانگر عدم اکراه و اجبار در وقوع جنایت است. این مفهوم در سایر کیفرخواست‌های اعلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳-۴. جنایات جنگی

جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری یوگسلاوی سابق به‌عنوان جرم اصلی علیه جامعه جهانی جرم‌انگاری شده بود. جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ماده ۸ اساسنامه مذکور، جنایات جنگی را این‌چنین بیان می‌کند:

۱. نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت از قبیل قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، تخریب اموال و بدرفتاری با اسیران جنگی.
۲. دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم و حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی در چارچوب تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل.
۳. نقض فاحش مفاد ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی.

۴. دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی در چارچوب شناخته‌شده حقوق بین‌الملل.<sup>۶۲</sup>

از آنجا که در کلیه جنایات احصاشده بین‌المللی، فرض معاونت قابل تصور است، در جنایات متعدد جنگی نیز معاونت تحقق‌پذیر است. در خصوص عنصر معنوی معاونت در جنایت جنگی می‌توان به مورد قضاوت‌شده در دیوان یوگسلاوی اشاره داشت. یکی از نمونه‌های مهم در این باره، پرونده آنتو فورونزیجا<sup>۶۳</sup> است. یکی از نیروهای تحت امر متهم برای کسب اطلاعات از

59. *The Prosecutor v. Paul Bisengimana*, Case No. ICTR 00-60-T, Judgement, 13 April 2006, Indictment, paras. 42-43-44-45, p. 13.

60. *The Prosecutor v. Milan Martić*, Case No. ICTY IT-95-11-PT, Judgement, 09 April 2005, p. 2632.

61. *The Prosecutor v. Paul Bisengimana*, *op.cit.*, paras. 38-39, p. 17.

62. شریعت‌باقری، محمدجواد؛ حقوق کیفری بین‌المللی، جنگل، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳.

63. Anto Furundzija

شخصی که در بازداشت آن‌ها بود، اقدام به تهدید او به پاس‌خگویی از طریق نشان‌دادن یک سرنیزه کرد و گفت که در صورت ارائه‌ندادن اطلاعات، چاقوی مزبور را در اندام تناسلی وی فرو خواهد برد یا آن را قطع خواهد کرد. وی به اتهام معاونت در جنایت جنگی به وسیلهٔ خشونت و تجاوز جنسی در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق محکوم شد.<sup>۶۴</sup> در این پرونده، دیوان به توسعهٔ مفهوم جنایات جنگی پرداخت. مطابق اساسنامهٔ دیوان، تجاوز جنسی از جمله موارد جنایت علیه بشریت است ولی دیوان با تفسیر جدیدی قائل شد که این تجاوز در واقع نقض عرف و آداب منازعه است چرا که این فعل (خشونت جنسی) را نقض جدی حیثیت بزه‌دیده دانست. بنابراین *آنتو فورونزلیجا* را که در زمان وقوع جرم، مسئولیت فرماندهی و در صحنهٔ وقوع جنایت حضور داشت علی‌رغم عدم مداخلهٔ مادی (شخصی) وی در ارتکاب جنایت، به صورت معاونت در ارتکاب (حمایت و تشویق) مباشر یا مرتکب اصلی، مجرم دانست.<sup>۶۵</sup> با این وصف، هیچ الزامی برای اثبات طرح مشترک یا برنامهٔ هماهنگ‌شدهٔ قبلی وجود ندارد تا متهم را به عنوان معاون واجد مسئولیت کیفری تشخیص دهد. از نظر شعبهٔ بدوی، ممکن است طراحی مشترک از شرایط حاکم بر هر قضیه مستقلاً استنباط شود.<sup>۶۶</sup>

#### ۴-۴. جنایت تجاوز سرزمینی<sup>۶۷</sup>

این جنایت از مهم‌ترین جنایاتی است که در نظام بین‌الملل ارتکاب می‌یابد. جرم مزبور در پایان جنگ جهانی دوم تحت عنوان «جنایت علیه صلح» بر اساس منشور دیوان‌های کیفری بین‌المللی نورنبرگ و توکیو مورد مجازات قرار گرفت. سال‌ها بعد، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامهٔ شمارهٔ ۲۳۳۰ در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۷، کمیتهٔ ویژه‌ای برای تعریف جنایت تجاوز سرزمینی تشکیل داد. حاصل کار، قطعنامهٔ ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ بود که به اتفاق آرا در باب تجاوز از تصویب مجمع گذشت. نخستین ماده از این مصوبه در تعریف جنایت تجاوز مقرر می‌دارد: تجاوز عبارت است از به‌کارگیری نیروی مسلح توسط یک کشور بر ضد حاکمیت یا استقلال سیاسی کشور دیگر یا با سایر شیوه‌های مغایر با منشور ملل متحد، به شرحی که در این تعریف

64. *Prosecutor v. Anto Furundzija*, Judgement, Case No. IT-95-17/1-A, 21 July 2000, p. 2.

The Trial Chamber also found that under Article 3 of the Statute, the Appellant was guilty as a co-perpetrator of torture as a violation of the laws or customs of war and for aiding and abetting outrages upon personal dignity, including rape, as a violation of the laws or customs of war.

...and that there is no requirement that there be proof of a pre-existing plan or design in order to find the accused criminally liable as a co-perpetrator; common design may be inferred from the circumstances of the case.

65. *Prosecutor v. Anto Furundzija*, 1998, *op.cit.*, p. 17.

66. *Ibid.*, p. 28.

67. Crime of Aggression

بیان شده است.<sup>۶۸</sup>

اما در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به موجب ماده ۸ مکرر که به تعریف جنایت تجاوز می‌پردازد، این تعریف متشکل از سه بخش است. بند اول عمل تجاوزکارانه را چنین تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند، که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود». بند دوم نیز اقدام به جنایت تجاوز (اعمال تجاوز) را برمی‌شمارد: «تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر به وسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هرچند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه‌نمودن تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح، بمباران سرزمین دولت دیگر یا به‌کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر، محاصره بنادر یک دولت و ... و در بند سوم به مغایرت آشکار این حملات با منشور ملل متحد اشاره دارد.<sup>۶۹</sup>

وضعیت تجاوز در تعریفی که از این جرم در اجلاس کامپالا مطرح شد، آن را به‌عنوان «جنایت مربوط به راهبری» و شیوه‌های مسئولیت مطرح کرد. این تعریف مشمول مسئولیت بیشتری نسبت به تعریف «جنایات علیه صلح»، مندرج در منشور نورنبرگ و توکیو می‌شود. تعریف کامپالا هرچند نشانه‌هایی از مدرنیته را دارد، هنوز همچنان محافظه‌کارانه است زیرا این تعریف هرچند مسئولیت کیفری فردی را از مفهوم سنتی «جنگ تجاوزکارانه» به اعمال تجاوزکارانه مذکور در ماده ۸ مکرر توسعه می‌دهد، مفهوم تجاوز هنوز به خشونت بین دولت‌ها اختصاص دارد.<sup>۷۰</sup>

آنچه از تعریف بالا به دست می‌آید این است که صدق تحقق عنصر روانی معاونت در جرم تجاوز با تجمیع تعریف کنفرانس کامپالا و ماده ۸ مکرر از دو منظر قابل تحقق است. نخست توسعه مفهوم تجاوز از دولت به اشخاص (فرد انسانی) در واقع پذیرش این موضع خواهد بود که در صورت وقوع جرم تجاوز توسط اشخاص، ارتباط با معاون جرم کاملاً امکان‌پذیر است. دوم تحقق عنصر روانی معاونین جنایت تجاوز که حسب تعریف فوق می‌تواند دولت‌ها و اشخاص باشند، قابل استیفاد است. به عبارت دیگر، همان‌طور که اشخاص و دولت‌ها می‌توانند مرتکب جرم تجاوز شوند، همان دولت‌ها و اشخاص حقیقی نیز می‌توانند ارتکاب جنایت تجاوز، تحریک

۶۸. ساک، کریانگ و کیتی شیایزری؛ حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، سمت، ۱۳۹۳، ص ۴۰۴.

۶۹. نوایی فرد، مهسا و لیلا رئیسی؛ «بررسی تجاوز در دیوان بین‌المللی کیفری»، فصلنامه آراء، دوره ۲، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۴، ص ۶۶.

70. Gillett, Matthew, "The Anatomy of an International Crime: Aggression at the International Criminal Court". *International Criminal Law Review*, vol. 13, Issue 4, 2013, p. 40.



یا عمل تجاوزکارانه را برای اشخاص یا دول دیگر تسهیل کنند. البته پیوسته باید مورد عنایت باشد که برداشت حقوقی فوق در واقع یک موضوع در عالم ثبوت است و بسته به شیوه اثباتی دارد که در دیوان اتخاذ می‌شود.

### ۵. مقایسه کمک با معاونت در رکن معنوی

با بررسی اسناد بین‌المللی و آرای دادگاه بین‌المللی، دو واژه به صورت مرتب تکرار می‌شود که به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی بین این دو وجود داشته باشد. یکی واژه کمک کردن<sup>۷۱</sup> و دیگری واژه معاونت کردن<sup>۷۲</sup> است. به نظر می‌رسد این دو واژه از حقوق کامن‌لا وارد مباحث حقوق بین‌الملل شده است که در این حقوق با این حال که دارای شباهت‌های بسیاری هستند، تفاوت‌هایی از لحاظ رکن روانی دارند که در ذیل می‌آید. اهمیت جداسازی آن زمانی نمایان می‌شود که بین این دو مبحث، چنان با هم خلط صورت می‌گیرد که تفکیک این دو از هم به سختی صورت می‌پذیرد. لذا نیاز به این امر است که با اتخاذ معیار درست، به تفکیک این دو مفهوم پرداخته شود، هرچند در دیوان‌های بین‌المللی کیفری اعم از اساسنامه‌های آن‌ها و رویه قضایی، این دو اصطلاح به قدری به طور پیوسته استفاده شده که به عنوان یک مفهوم حقوقی گسترده تلقی می‌شوند.<sup>۷۳</sup>

ماهیت رکن معنوی کمک کردن با رکن معنوی معاونت کردن تفاوت‌هایی دارد. در مورد کمک کردن، همدست مباشر اغلب برای یک اقدام خنثی یا مبهم مسئول خواهد بود، مثل خرید سموم حشره‌کش که ممکن است برای از بین بردن حشرات در کمپ زندانیان یا در اتاق‌های گاز در یک کمپ آدم‌کشی استفاده شود. در این حالت برای دادستان بسیار مشکل است قضات را قانع کند که قصد همدست جرم از عواقب اقدامش چه بوده است زیرا دو یا چند فرضیه وجود دارند. در این حالت عموماً آگاهی همدست از اقداماتی که توسط مباشر اصلی در حال انجام است به عنوان مستند دیگر رکن معنوی ضروری خواهد بود تا جرم اثبات شود. شعبه تجدیدنظر در قضایای متعددی از جمله تادیچ و بلاشکیچ اعلام کرده است: شخص کمک‌کننده به افراد دیگری که آن‌ها با قصد خاص مرتکب جرم می‌شوند، هنگامی که به ارتکاب جرمی مساعدت کند که از قصد اصلی آن آگاه باشد، ممکن است مسئول شناخته شود.<sup>۷۴</sup>

در مورد معاونت کردن، اثبات رکن معنوی جرم باید آسان‌تر باشد زیرا رکن معنوی تقریباً در

71. Aiding

72. Abetting

73. *The Prosecutor v. Juvénal Kajelijeli*, ICTR-98-44A, Judgement (TC), para. 765; *The Prosecutor v. Laurent Semanza*, ICTR-97-20-A, Judgement (TC), para. 384, referring to: Manning, M., Sankoff, P., Mewett, A., *Mewett, Manning & Snakoff: Criminal Law*, 3rd Edition, 1994, p. 272, Noting that aiding and abetting are “almost universally used conjunctively”.

74. Schabas, William, *op.cit.*, p. 307.

درون خود انواع معاونت یعنی تحریک، دستور دادن، برانگیختن یا اقناع روانی ظاهر می‌شود. اقدام معاونت از طریق کلمات یا اشکال دیگر بروز عقاید معاونت‌کننده اجرا می‌شود و این مصادیق برای آشکارسازی ذهن گناهکار همدست مجرم کافی هستند. دیوان کیفری بین‌المللی ویژه رواندا در قضیه آکایسو به سخنان تحریک‌آمیز وی به‌عنوان شاهد اشاره دارد؛ آنجا که آکایسو در آستانه درب مرکز فرهنگی تابا ایستاده و می‌گوید «شما هرگز دوباره از من نپرسید یک زن توستی چه طعمی دارد». ادای همین کلمات به معنی تحریک کردن مخاطبین به انجام جرائم تجاوز به‌عنف تلقی می‌شود.<sup>۷۵</sup>

### نتیجه

در حقوق بین‌المللی کیفری، رکن معنوی لازم در معاونت عبارت است از: علم (یعنی آگاهی‌داشتن) متهم به اینکه اقدام او به ارتکاب جرم توسط مباشر یاری می‌رساند. نیازی نیست که متهم همان رکن معنوی مباشر یعنی قصد انجام عنصر مادی جرم را داشته باشد.<sup>۷۶</sup> گذشته از این، علم اجمالی به اینکه احتمالاً یکی از چند جنایت معین روی خواهد داد، در صورتی که در عمل هم یکی از آن‌ها واقع شود، برای آن کفایت می‌کند. در این صورت گفته می‌شود متهم قصد تسهیل ارتکاب جرم مزبور را داشته و تحت عنوان معاونت، گناهکار است. به عبارت دیگر، آگاهی دقیق از ماهیت جرمی که مباشر قصد اجرای آن را داشته و در عمل دست به آن زده است، ضرورت ندارد.

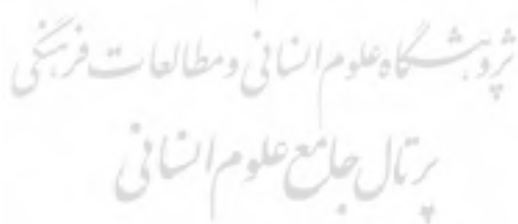
نکته دیگر اینکه نیازی نیست که وجود رکن معنوی یادشده، واضح و روشن باشد، بلکه ممکن است به کمک همه اوضاع و احوال مربوطه، به امر پی برده شود. این نحوه از احراز عنصر روانی، برای مثال در پرونده الکسووسکی دیده می‌شود. متهم پرونده مطلع بود که در یک برهه زمانی، محبوسین اردوگاه اسرای تحت مدیریت او مکرراً با بدرفتاری سربازان شورای دفاع کرواسی مواجه می‌شدند؛ در این شرایط، نامبرده باز هم اصرار داشت که زندانیان را برای کار زیر نظر آن سربازان به خارج محوطه بازداشتگاه بفرستد، بی‌آنکه با استفاده از اختیارات خود تدابیری اتخاذ کند تا به کار آن‌ها در خارج اردوگاه در چنان شرایطی پایان داده شود.

ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان می‌دارد که: «در غیر مواردی که به نحو دیگر مقرر شده، افراد فقط در صورتی به مناسبت جنایتی که مشمول صلاحیت دیوان است، دارای مسئولیت کیفری و قابل مجازات خواهند بود که عناصر مادی جرم همراه با قصد و علم

۷۵. نجفی، رضا؛ سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ناشر روزنامه رسمی کشور، شماره چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲.

76. *The Prosecutor v. Anto Furundžija, op.cit.*, paras. 247-249; *The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, op.cit.*, paras. 538-539.

ارتکاب یافته باشد». در اینجا منظور از قصد مجرمانه، همان قصد معاون در تسهیل ارتکاب جرم است. به بیان شعبه اول بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده تادیچ، معیار رکن معنوی که در نتیجه محاکمات پس از جنگ جهانی دوم ارائه شد، عبارت است از: «آگاهی نسبت به عمل مداخله در جرم توأم با تصمیم خودآگاه به مداخله»؛<sup>۷۷</sup> لذا ضرورت ندارد که معاون، همان سوءنیت مجرمانه مباشر را داشته باشد. در پرونده بلاسکیچ هم شعبه اول بدوی دیوان یوگسلاوی سابق، از همین اصل پیروی کرده است. در این پرونده، پس از آنکه شعبه بدوی مناسب تشخیص داد که میان «علم» از یک سو و «قصد» از سوی دیگر، تفکیک شود، نتیجه گرفت که امور زیر باید ثابت شود: (الف) علم متهم به اینکه فعل و ترک فعل او به ارتکاب جرم کمک خواهد کرد و (ب) عمد متهم در ارائه چنین مساعدتی یا دست‌کم، علم وی به اینکه پیامد احتمالی یا قابل پیش‌بینی مساعدت او، حمایت از انجام جرم مورد نظر است.<sup>۷۸</sup> نهایتاً برای اینکه رکن معنوی معاونت در جرم شکل بگیرد، علاوه بر اینکه نیاز به قصد و آگاهی است به نظر می‌رسد باید سهل‌انگاری و مسامحه شدید را نیز در ذیل شمول قصد در معاونت قرار داد.



77. *The Prosecutor v. Duško Tadić*, IT-94-1-A, Judgment, para. 647, Quoted in *Furundžija*, paras. 242-247.

78. *The Prosecutor v. Tihomer Blaskić*, Case No. IT-95-14-T, ICTR T. Ch, 3 March 2000, para. 286.

## منابع:

## الف. فارسی

## - کتاب

۱. آقای جنت مکان، حسین؛ محاکمه قدرت «مسئولیت مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی»، چاپ دوم، مجد، ۱۴۰۰.
۲. کانن، پاتریک؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه: مجید ادیب، میزان، ۱۳۹۹.
۳. خالقی، ابوالفتح؛ حقوق بین‌الملل کیفری عمومی، مجد، ۱۳۹۴.
۴. شریعت‌باقری، محمدجواد؛ حقوق کیفری بین‌المللی، جنگل، ۱۳۸۴.
۵. فیوضی، رضا؛ حقوق بین‌الملل کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۶. کریانگ ساک کیتی شیایزری؛ حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، سمت، ۱۳۹۳.
۷. کسسه، آنتونیو؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، جنگل، ۱۳۸۷.
۸. میرمحمدصادقی، حسین؛ دادگاه کیفری بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۹۴.
۹. \_\_\_\_\_؛ بررسی جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق با نگاهی ویژه به جرایم علیه زنان، جلد اول، دادگستر، ۱۳۸۲.
۱۰. موسی‌زاده، رضا؛ بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ شانزدهم، میزان، ۱۳۸۹.
۱۱. ویلیام ا، شبت؛ حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، جنگل، ۱۳۸۴.

## - مقاله

۱. بیگلری، پویان، لیلا رئیسی و محمود جلالی؛ «بررسی عنصر روانی در حقوق کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره ۹، شماره ۳۴، ۱۳۹۵.
۲. بیگلری، پویان؛ «بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق»، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۳. خالقی، ابوالفتح و بهزاد جودکی؛ «دادگاه ذی‌صلاح در بزه معاونت در جرم در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۴. علوی؛ سیدحسن؛ «ابطال تقصیر و عنصر روانی جرم»، دوفصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مباحث حقوقی، سال دهم، شماره سی و سوم، ۱۳۹۵.

۵. نوابی‌فرد، مهسا و لیلا رئیسی؛ «بررسی تجاوز در دیوان بین‌المللی کیفری»، فصلنامه آرا، دوره ۲، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۴.
۶. نجفی، رضا؛ سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ناشر روزنامه رسمی کشور، شماره چهارم، ۱۳۸۷.

### ب. انگلیسی

#### - Books

1. Badar, Mohamed Elewa, *The Concept of Mens Rea in International Criminal Law the Case for a Unified Approach*, Oxford and Portland, Oregon, 2013.
2. Brownlie, Ian, *Principles of Public International Law*, 4th ed., Oxford, 1990.
3. ———, *The Crime of State. Penal Protection for Fundamental Freedoms of Persons and Peoples*, vol. I., Humanicide, International Governmental Crime against Individual Human Rights, By Pieter N. Drost, [Leyden: A. W. Sythoff. 1959. 358; 225 pp. Fl.28.90; 16.95.], 1960.
4. Eser, Albin, “Mental Elements – Mistake of Fact and Mistakes of law”, in: Antonio Cassese (ed.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: a Commentary*, Oxford: Oxford University Press, 2002.
5. John Quigley, “Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility”, *British Yearbook of International Law*, vol. 57, 1986.
6. Madders, k.j., “Neutrality in Air Warfare, in: Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, Instalment 4, 1982.
7. Manning, M., Sankoff, P., Mewett, A., *Mewett, Manning & Snakoff: Criminal Law*, 3rd Edition, 1994.
8. Mcdougal, Myres S., Feliciano, Florentino P., *Law and Minimum World Public Order: The Legal Regulation of International Coercion*, New Haven, Conn, Yale University Press, 1961.
9. Oppenheim, *International law, War and Neutrality*,. edited by Lauterbach, vol. II, 7th ed., Edinburgh, 1965.
10. Schabas, William, *The UN International Criminal Tribunals: the Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge university press 2006.
11. Schindler, D., Tomarv, J. (eds.), *The Laws of Armed Conflict*, Martinus. Nijhoff Publishers, 1988.

12. Sliedregt, E. Van, *The Criminal Responsibility of Individuals for Violations of International Humanitarian Law*, The Hague: T. M. C. Asser Press, 2003.

#### - Articles

1. Akehurst, Michael, "Jurisdiction in International Law", *The British Year Book of International Law*, 1972-1973.
2. Aldrich, G., "Jurisdiction of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *American Journal of International Law*, vol. 90, Issue 1, 1996.
3. Barrow, Amy, "UN Security Council Resolutions 1325 and 1820, Constructing Gender in Armed Conflict and International Humanitarian Law", *International Review of the Red Cross*, No. 877, 31-03-2010 Article.
4. Dixon, R., "Prosecuting International Crimes, An Inside View: Developing International Rules of Evidence for the Yugoslavia and Rwanda Tribunals", *Transnational Law and Contemporary Problems International*, vol. 7, 1997.
5. Dubois, O., "Rwanda's National Criminal Courts and the International Tribunal", *International Review of the Red Cross*, No. 321, 1997.
6. Finnin, Sarah, "Mental Elements under Article 30 of the Rome Statute of the International Criminal Court: A Comparative Analysis", *ICLQ*, vol. 61, April 2012.
7. Gillett, Matthew, "The Anatomy of an International Crime: Aggression at the International Criminal Court", *International Criminal Law Review*, vol. 13, Issue 4, 2013.
8. Hathaway, Oona A., Francis, Alexandra, Haviland, Aaron, Srinath Kethireddy, Srinath Reddy, Yamamoto, Alyssa T., "Aiding and Abetting in International Criminal Law", *Cornell Law Review*, vol. 104, Issue 6, September 2019.
9. Stewart, James G., "Towards a Single Definition of Armed Conflict in International Humanitarian Law: A Critique of Internationalized Armed Conflict", *International Review of the Red Cross*, No. 850, 30-06-2003 Article.
10. Turns, D., "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia: The Erdemovic Case", *INT'L. & COMP. L.Q.*, vol. 47, 1998.
11. Vité, Sylvain, "Typology of Armed Conflicts in International Humanitarian Law: Legal Concepts and Actual Situations", *International Review of the Red Cross*, No. 873, 31-03-2009 Article.

**- Cases**

1. *Blagojević Jokić*, IT-02-60, Case Information Sheet, Bosnia and Herzegovina..
2. *Milošević, Slobodan*, IT-02-54, Case Information Sheet, Kosovo. Croatia. Bosnia.
3. *Prosecutor v. Anto Furundžija*, Judgement, Case No. IT-95-17/1-A, 21 July 2000.
4. *Prosecutor v. Anto Furundžija*, Judgement, Case No. IT-95-17/1-T, 10 December 1998.
5. *Prosecutor v. Brdanin*, Case No. IT-99-36-T, Trial Judgment, ICTY, 2004.
6. *Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu*, Case No. ICTR-96-4-T, ICTR T. CH. I, 2 SEPT, 1998.
7. *Prosecutor v. Kaing*, Case No. OO1/18-07-2007/ECCC/TC, Trial Judgment, q1 535 (July 26, 2010).
8. *Prosecutor v. Khieu*, Case No. 002/ 19-09-2007-ECCC/SC, Appeals Judgment, 2016.
9. *Prosecutor v. Lubanga Pyilo*, Confirmation Decision, ICC/01/04-01/06, PT ch I, 29 January 2007.
10. *Prosecutor v. Lukic*, Case No. IT-98-32/ 1-T, Trial Judgment, 2009.
11. *Prosecutor v. Radislav Krstic*, IT-98-33-A, Judgement, Appeals Chamber, 19 April 2004.
12. *Prosecutor v. Slobodan Milosevic*, Case No. IT-02-54-T, Trial Chamber, 2004.
13. *Prosecutor v. Stakic*, Judgment, IT-97-24-T, Tch II, 31 July 2003.
14. *Prosecutor v. Zlatko Aleksovski*, IRTC T.Ch. I, 25 June 1999.
15. *The Prosecutor v. Duško Tadić*, IT-94-1-A, Opinion and Judgment, Trial Chamber II of the ICTR, 1997.
16. *The Prosecutor v. Duško Tadić*, IT-94-1-T, Indictment and Trial, 7 May 1997.
17. *The Prosecutor v. Georges Ruggiu*, Case No. ICTR-97-32-I, ICRT T. Ch. I, 1 June 2000.
18. *The Prosecutor v. Joseph Nzabirinda*, ICTR, 2001-77-T, 2007.
19. *The Prosecutor v. Juvénal Kajelijeli*, ICTR-98-44A, Judgement (TC).
20. *The Prosecutor v. Laurent Semanza*, ICTR-97-20-A, Judgement (TC).
21. *The Prosecutor v. Milan Martić*, Case No. ICTY IT-95-11-PT, Judgement, 09 April 2005.
22. *The Prosecutor v. Paul Bisengimana*, Case No. ICTR 00-60-T, Judgement, 13 April 2006, Indictment.
23. *The Prosecutor v. Tihomer Blaskic*, Case No. IT-95-14-T, ICTR T. Ch, 3 March 2000.

**- Documents**

1. Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, ICJ Rep. 1951.
2. UN Doc: A/51/10, Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session, 6 May -26 July 1996, Official Records of the General Assembly, Fifty- First Session, Supplement No. 10.
3. The Law of Land Warfare, Department of the Army, F.M. 27-10, July 1956.

